



## به مناسبت روز کارگر یکم ماه می ۲۰۱۵

وضعیت کارگران در دولت یازدهم بیکاری، فقر و دشواریهای معیشتی: افزایش اعتراضات، اعتصابها، دستگیریها

در ایران حدود ۱۰ میلیون بیکار وجود دارد که ۳۰ تا ۴۵٪ آنها دارای مدرک دانشگاهی هستند. بر تعداد این بیکاران هر روز بیشتر میگردد.

به استناد گفته علی ربیعی وزیرکار دولت روحانی "در ایران حدود ۱۰ میلیون بیکار وجود دارد که ۳۰ تا ۴۵٪ آنها دارای مدرک دانشگاهی هستند". حتی در زمان جنگ ایران و عراق هم آمار بیکاری در چنین سطحی گسترده نبود. حضور این تعداد بیکاری نتیجه سیاست هائی است که جمهوری اسلامی در زمینه اقتصادی اتخاذ کرده است. در شرایطی که دولت به علت سیاست های وارداتی و بسته شدن بسیاری از واحدهای تولیدی قادر به ایجاد کار برای بیکاران نیست و هر چه که جلوتر می رویم به این آمار اضافه می شود، علی ربیعی وزیر کار و تعاون و رئیس اتحادیه کارفرمایان می گویند: "به دلیل آنکه در شرایط فعلی نمی توان مزد کارگران را به گونه ای افزایش داد که تأمین کننده معیشت خانواده های شان باشد، آنان (کارگران) مجبورند امور زندگی خود را با اضافه کاری و یا دوشغله بودن به نحوی بگذرانند. رئیس اتحادیه سرمایه داران می گوید که نمی توانند دستمزدها را براساس نرخ تورم افزایش دهند و از کارگران خواست که به نحوی زندگی خود را بگذرانند". البته روشن است که دولت، با این گفته خود از زیر بار مسئولیت تأمین حداقل زندگی برای مزدبگیران جامعه نه تنها شانه خالی می کند بلکه همزمان با تصویب حداقل دستمزد برای سال آینده که حتی از سطح خط فقر هم بسیار پائین تر است سفره کارگران و زحمتکشان را خالی تر و فقر را گسترده تر می کند. وقتی دولت قادر به بالا بردن دستمزد بر اساس تورم نیست، نتیجه مستقیم آن حضور کودکان برای کار کمک به خانواده های فقیر در خیابان ها به دستفروشی و خرید و فروش مواد مخدر و از سوی دیگر چند نرخه شدن اجناس، و حضور بازار سیاه را گسترش داده و فحشاء را توسعه میدهد.

بحران کنونی اقتصادی در ایران هم اکنون بخاطر واردات بی رویه و مرزهای باز برای وارد کالاهای بنجل به خارجی به مرحله ای رسیده است که روزی نیست که چندین مونسسه تولیدی در ایران ورشکسته نشوند و کارگران آن بیکار نگردند.

در اثر این سیاست تخریبگر تولیدات درونی متوقف و میلیون ها کارگر ایرانی بیکار میگرددند.

اما گاه بحران اقتصادی و اختلال در کارکرد تولید، به سطحی میرسد که دیگر ابعاد بیکاری از حد مجاز آن که برای سرمایه داران و رژیم ضد کارگری حاکم در ایران قابل کنترل نمی باشد و بازار را به رکود می کشاند و در نتیجه به

رکود اقتصادی و شورش های اجتماعی دامن زده و از مرز هرنوع کنترل ، میگذرد. تاثیرات آن نه تنها به گسترش فقر و فلاکت طبقه کارگر و سایر محرومان جامعه دامن میزند بلکه این بیکاری وسیع قدرت خرید در بازار را به شدت پائین میآورد و سرمایه در اشکال مختلف کارکرد خود از جمله تولیدات صنعتی ، تجارت ، ساختمان ، کشاورزی و غیره قادر به تحقق این وظیفه نمیگردد ودولت نیز قادر نمیشود همچون گذشته تعادل لازم در بازار کار را بوجود آورد و بیکاری را کنترل کند. بنابراین نشانه های بحران عمیق ، تورم ورشکستگی، فساد ، ارتشاع، دزدی در طبقه حاکم و لایه های بالای دستگاه دولتی به اوج میرسد. از طرف دیگر ناهنجاریهای اجتماعی، بی خانمانی ، حاشیه نشینی و بیکاری و فقر و فلاکت در میان طبقات محروم گسترش یافته و بتدریج شورشهای اجتماعی در اعتراض به وضعیت موجود رخ مینمایند.

معضل بیکاری وارد مرحله جدید شده است

اکنون معضل بیکاری در ایران وارد چنین مرحله ای شده است. برغم ادعاهای رژیم مبنی بر مهار تورم و رشد اقتصادی ۱/۵ درصدی ، اما زندگی واقعی توده های مردم و اوضاع اقتصادی اجتماعی بیشتر بر تعمیق و تداوم بحران صحنه میگذارد تا فروکش آن ، بقول یکی از نمایندگان مجلس «بازی دولت ها با آمار مثل پوست خربزه زیرپایشان است. یعنی آمارهای اعلام شده توسط منابع دولتی و بانگ مرکزی یا اداره آمار بقدری متناقض هستند که دراصل نمیتوان یقین حاصل کرد که کدام یک به حقیقت نزدیک است. همین نماینده مدعی است که : تا قبل از سال ۹۰ میانگین رشد اقتصادی حدود پنج درصد بوده که البته این رشد کمک چندانی به مساله بیکاری نکرده است. ترکیب رشد در این دوره به گونه ای بود که از کیفیت لازم برای اشتغالزایی برخوردار نبوده است.» به زبان ساده یعنی رشد اقتصادی حتی در سطح ۵ درصد نیز بواسطه عدم تولید و حبایی بودن، این رشد تاثیری در افزایش اشتغال و کاهش بیکاری نداشته است. رییس مرکز پژوهش های مجلس در این باره به واقعیت های زیر اشاره میکند و میگوید: « طی این سالها هر یک درصد رشد اقتصادی به طور خالص کمتر از ۳۰ هزار شغل ایجاد کرده است، در صورت تحقق رشد اقتصادی با کمیت و کیفیت این دوره در سال ۱۴۰۰ خورشیدی اقتصاد با حدود پنج میلیون بیکار مواجه خواهد بود.» با این محاسبه جناب نماینده بنا به پیشبینی دولت روحانی اگر قرار باشد اقتصاد ایران در سال ۹۴ بارشده ۱/۵ درصدی مواجه باشد. تازه در آن صورت مابا ایجاد فقط ۴۵ هزار شغل جدید مواجه خواهیم بود که در برابر خیل عظیم بیکاران کنونی و سالیانه نزدیک به ۴۰۰ هزار نیروی کارآماده به ورود به بازار کار رقم بسیار کوچکی محسوب میشود. و حکایت از افزایش معضل بیکاری و بحرانهای پی آمد آن دارد.

کاهش قیمت نفت و تاثیر آن بر افزایش بیکاری

مطالعات نشان می دهد تشکیل سرمایه در اقتصاد ایران متکی به درآمدهای نفتی بوده است در ماه های اخیر افت یکباره قیمت نفت دولت را با کسری بودجه مواجه کرده است . در همین رابطه وزیر امور اقتصادی و دارایی مسئله سقوط قیمت نفت را جنگی خطرناکتر از جنگ هشت ساله ایران و عراق دانسته و میگوید: اکنون در شرایط خطیری هستیم و قیمت نفت از ۱۰۵ دلار به ۴۰ دلار کاهش یافته و برای حل این مشکل نیازمند اراده جدی و هماهنگی هستیم. جنگی که امروز شروع شده از جنگ تحمیلی بدتر است، بنا به گفته وی بودجه ارائه شده به مجلس در حالی برمبنای ۷۲ دلار برای هربشکه نفت بسته شده است. روشن است که با سقوط قیمت نفت در بازارهای جهانی و پائین آمدن درآمد ایران از صادرات نفت، دولت مجبور است بخشی از کسری بودجه را از طریق حذف و یا مسکوت گذاشتن طرح های عمرانی و یا در بخش سرمایه گذاری در بخش تولید و کسب و کار و در نهایت زدن از حقوق و مزایای مستخدمین دولتی و غیره جبران کند. بدین ترتیب بیش از همه دامنه طرح های اشتغالزا محدود تر خواهند شد. چرا که نه دولت میخواید و نه میتواند از بودجه دستگاه های نظامی و امنیتی و نهاد های مختلف مذهبی بکاهد. امسال بودجه این نهاد ها نه تنها کاسته نشده است بلکه در طرح بوجه سال ۹۴ نیز از افزایش چشم گیری برخوردار شده اند . لذا ناتوانی دولت در تامین بودجه طرح های عمرانی و اشتغالزا و تعطیلی بسیاری از آنها ، طرح ها و قول و قرارهای دولت برای ایجاد مشاغل جدید را زیر سؤال می برد. بطوری که هم اکنون بسیاری از صنایع و کارخانه ها و طرح های عمرانی در حال تعطیل بوده و یا اساسا قادر به پرداخت بموقع حقوق کارگران و کارکنان خود نیستند و اخراج ها و بیکارسازیها در ابعاد گسترده ای ادامه دارد. به گفته معاون وزیر کار « ۵.۳ میلیون تحصیل کرده دانشگاهی جزو ۴۱ میلیون جمعیت غیرفعال کشور » درآستانه ورود به بازار کار هستند. وزیر کار نیز به

خطرات ناشی از افزایش بیکاری که همچون آتش زیرخاکستر در اوضاع بحرانی ایران میماند اعتراف کرده و کوشزد میکند که: «ورود دانش آموخته ها به جمعیت بیکار، خطری است که در آینده نزدیک کشور را تهدید می کند.» ورشکستگی کشاورزان و رواج حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ عدم وجود آب برای صنعت کشاورزی و خشک شدن رودها یکی از علل فرار کشاورزان به شهرهای بزرگ ایران است. سال ۹۳ سال خوبی برای دریاچه ها و تالاب های کشور نبود و بحران خشکسالی دامن گیر دریاچه های کشور بود. بحرانی که با آمدن بهار ۹۴ هنوز هم ادامه دارد.

در هر حال، نکته اینجاست که مرگ تدریجی دریاچه ها و تالابها هم اکنون به یک موضوع جدی کشور تبدیل شده است. محو شدن دریاچه های هامون، کافتز، بختگان، مهارلو، طشک و برخی دیگر از تالابها از نقشه ایران و همچنین قرار گرفتن دریاچه ارومیه در آستانه نابودی کامل، پای مجلس رژیم را نیز به بحران خشکی دریاچه ها باز کرده. کارشناسان محیط زیست می گویند آثار مخرب زیست محیطی و وقوع طوفانهای نمکی و گرد و غبار و از بین رفتن کشاورزی از مهم ترین آثار زیان بار خشک شدن دریاچه های کشور است.

ماجرای خشک شدن دریاچه ارومیه اما در ابتدای سال ۹۲ مورد توجه ویژه قرار گرفت و همه جا پر بود از هشدارهایی که در خصوص خشک شدن این دریاچه داده می شد.

ماجرای هم از این قرار بود که دریاچه ارومیه در روندی از خشکی قرار گرفته که به اعتقاد کارشناسان با ادامه آن منطقه تبدیل به بیابانی به وسعت ۵۷۰ هزار هکتار با ۸ میلیارد تن نمک می شود که با وزش نخستین بادهای به جای شن یا رس، این نمک است که در هوا منتشر شده و موجب تخریب محیط زیست می شود، تخریبی که بدون شک از مرزهای کشور خواهد گذشت و در خوش بینانه ترین شرایط کشورهای همسایه را نیز در شرایط بحران زیست محیطی گرفتار خواهد کرد.

اردیبهشت ماه سال جاری در حالیکه مدیر کل محیط زیست آذر بایجان غربی از کاهش ۱۸ سانتیمتری ارتفاع آب دریاچه ارومیه نسبت به سال گذشته خبر داد، و از تعلل مسئولان برای احیای این دریاچه انتقاد کرد یک شرکت اروپایی که سابقه احیای دریاچه بحر المیت را در کارنامه خود دارد برای احیای دریاچه ارومیه اعلام آمادگی کرد و مدعی شد می توان این دریاچه را ظرف سه سال احیا کرد. عامل خشکسالی بخش بزرگی از کشاورزان ایران را فقیر گردانید و اکثراً به شهرهای بزرگ ایران مهاجرت و خود به لشکر بیکاران شهر نشین پیوسته اند. علاوه بر اینها در سالهای اخیر بدلیل چپاول دسترنج کشاورزان توسط دلالها و سرمایه داران، باتکها و ناتوانی محصولات کشاورزی داخلی در رقابت با محصولات وارداتی ارزان قیمت، بیشتر کشاورزان ورشکسته شده و برای یافتن کار و ممر درآمدی روانه شهرهای میشوند این امر حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ کشور را به یکی دیگر از معضلات لاینحل رژیم تروریستی ضد دهقانان و کارگران در ایران تبدیل نموده است که میشود گفت حاشیه شهرها بزرگترین اجتماع بیکاران و بیکار شده ها محسوب میشوند که از طریق مشاغل کاذب امروز را به فردا میرسانند. معاون وزیر کار رژیم ضمن اعتراف به معضل حاشیه نشینی و مهاجرت روستائیان به شهرها باره فرایند بیکاری میگوید: براساس آمارهای سال ۹۰ جمعیت کشور حدود ۷۴ میلیون نفر بوده که نزدیک به ۶۳ میلیون نفر از این تعداد بالای ۱۰ سال سن و در شرایط کار قرار داشته اند.

وی ادامه داد: این میزان جمعیت فعال را می توان به شرایط فعلی کشور نیز تعمیم داد چون آمارهای کنونی نیز تفاوتی با ۳ سال گذشته ندارند. جمعیت مشمول سن کار به دو دسته فعال و غیرفعال تقسیم می شوند که ۲۳ میلیون نفر جزو جمعیت فعال و نزدیک به ۴۱ میلیون نفر نیز جمعیت غیرفعال کشور هستند.

معاون وزیر تعاون، کار و رفاه ادامه میدهد: ۳،۵ میلیون نفر از جمعیت غیرفعال کشور بر اساس آمار سال ۹۰ دارای تحصیلات عالی دانشگاهی هستند و از میان ۲۳ میلیون جمعیت فعال کشور نیز هم اکنون حدود ۳ میلیون نفر بیکارند.» تا اینجاطبق این آمار رسمی یعنی  $3,5 = 5/3 + 3$  میلیون بیکار برای سال ۹۲ محاسبه شده است باز نگاهی به وضعیت افراد شاغل و فعال مشخص میشود که بخش زیادی از این آمارها قابل اتکا نیستند، مثلاً در سال ۹۱ مرکز پژوهشها نرخ رشد را منفی ۳/۵، مرکز آمار منفی ۵/۴ و بانک مرکزی منفی ۵/۸ گزارش کرده اند.

در مورد رشد اقتصادی سالجاری مرکز آمار یک درصد و بانک مرکزی ۴/۶ درصد گزارش داد لذا آمارهای رسمی بویژه در حوزه اقتصاد و اشتغال قابل اعتماد نیستند هرچند که غیر از آمارهای اعلام شده توسط دستگاه های دولتی به منابع مستقل دیگری دسترسی نیست.

طبق بررسی های بانک مرکزی ۲۴ درصد خانوارهای ایرانی بدون هیچ فرد شاغل، معادل ۵۷ درصد دارای یک نفر شاغل، ۱۵/۵ درصد دارای دو نفر شاغل و ۳/۵ درصد دارای سه نفر شاغل و بیشتر بوده اند.

بر اساس نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران در سال ۹۲، درصد خانوارهای بدون فرد شاغل و با سه نفر شاغل در مقایسه با سال ۹۱ بیشتر و درصد خانوارهای با یک و دو نفر شاغل کاهش یافته است. نتایج این بررسی گویای آن است که در بین افراد شش ساله و بیشتر خانوارها ۳۰/۶ درصد شاغل، ۴/۱ درصد بیکار، ۱۰/۴ درصد با درآمد بدون کار، ۲۳/۲ محصل، ۲۷/۴ درصد خانه دار و ۴/۳ درصد متعلق به سایر گروه ها بوده اند. طبق یافته های فوق سهم افراد شاغل و محصل در مقایسه با سال قبل کاهش و سهم افراد بیکار و با درآمد بدون کار افزایش داشته است.

زنان قربانیان اولیه بحران بیکاری

بررسی مزبور نشان می دهد که زنان بیشترین تعداد بیکاران را تشکیل می دهند یعنی بیشترین بار بحران اقتصادی در زمینه بیکاری زنان را شامل می شود که نه تنها از مشاغل خودرانده شده و به سمت خانه داری و مشاغل خانگی سوق یافته اند بلکه عوارض اجتماعی ناشی از آنرا نیز متحمل می گردند.

آمارهای منتشره توسط مرکز آمار ایران نرخ بیکاری زنان ۲ تا ۲۵ ساله در مناطق شهری را ۵۴ درصد اعلام کرده است این آمار در مناطق روستایی ۲۴ درصد ذکر شده است. تازه بخش مهمی از زنان بواسطه کاردر کارگاه های خانگی و یا در مزارع، حتی اگر در هفته ۲ ساعت هم شاغل بوده باشند جزء آمار بیکاری به حساب نیامده اند. در استانها محروم این آمارها تکانه دهنده هستند. در استانهای لرستان، کرمانشاهان و زنجان نرخ بیکاری زنان ۸۰ درصد ذکر شده است. اندیشک ۵۴ درصد اردکان ۵۲ درصد بلوچستان ۵۳ درصد، انزلی ۴۵ درصد، مسجد سلیمان ۵۷ درصد نمونه هانی است از وضعیت وخامت بار افزایش بیکاری در میان زنان که تبعات ویران کننده ای بر زندگی و معیشت خانواده و فشارهای زاید الوصف اقتصادی و اجتماعی بر روی زنان دارد. طبق آمارهای دولتی، بواسطه تشدید بحران اقتصادی در سال گذشته ۵۵۳ هزار تن از زنان از چرخه فعالیت های اقتصادی خارج شده اند.

اتکا به مالیاتها حتی راه حل موقتی هم نیست علی طیب نیا وزیر امور اقتصادی و دارایی با بیان اینکه «ارقام لایحه بودجه به علت کاهش قیمت نفت بسیار کم شده است، تصریح کرد: امکان مانور روی ارز برای دولت مشکل است؛ اما روی ریال از طریق گمرک و مالیات مشکلی نداریم؛ بنابراین با توجه به وضعیت بودجه، حقوق کارمندان را نمی توانیم افزایش زیادی دهیم.» و اما دولت روحانی برای جبران کسری بودجه و رفع نگرانی مردم بویژه حقوق بگیران برای اینکه بگویند اگر بر حقوق و دستمزدهایشان اضافه نمیشود حد اقل حقوق پایه شان سر جای خودش هست و مشاغل شان را از دست نروند داد و نیز برای بیکاران بویژه جوانان اعلام کرده است که دولت از طریق مالیات ها و گمرکات این کسری بودجه را جبران خواهد.

در حالیکه اولاً مالیات دهندگان عمدتاً حقوق بگیران هستند و در اقتصاد ایران مافیای قدرت و ثروت و نهادهای مذهبی و شرکت های بزرگ و ابسطه به نهادهای نظامی و امنیتی و نیز موسسات بزرگ مالی و صنعتی که امروزه به انحصارات عظیم تبدیل شده اند به نحوی از مالیات معاف هستند و یا با هزارویک طرفند از پرداخت مالیات طفره میروند. بنا بر این حقوق بگیران و اقشار محروم جامعه قربانیان اصلی خواهند بود. چنانکه از حالا دولت بر سر تعیین دست مزد ها اخطاریه صادر کرده است که به خاطر سقوط قیمت نفت کارمندان و کارگران نباید انتظار افزایش دستمزد ها طبق روال گذشته را داشته باشند. عادل آذر، رییس مرکز آمار ایران میگوید: استانداردها اینگونه میگویند، هرگاه نرخ بیکاری جوانان، حداقل دو برابر نرخ بیکاری کلی بود (نرخ بیکاری کلی، ۱۵ تا ۶۴ سال است) شما به نقطه بحران رسیده اید که در حال حاضر ما در چنین وضعیتی قرار داریم. البته در یک زمانی این رقم تا ۲/۵ برابر هم افزایش پیدا کرد اما اکنون در دو برابر نرخ بیکاری کلی قرار داریم.. مرکز آمار ایران در آخرین گزارش خود،

نرخ بیکاری در میان جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله کشور را در فصل پاییز ۲۵.۷ درصد و نرخ بیکاری در بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله را ۲۱.۸ درصد اعلام کرده است.

چه باید کرد

بیکاری یزیده ای است همزاد سرمایه داری که فساد، رشوه خواری، عدم امنیت مالی و جانی، برابر نبودن حقوق اجتماعی و مدنی زن و مرد و انواع تعصبات دینی بر شدت آن میافزاید.

لائسیتیته(به فرانسوی: laïcité) یا حکومت مردمی، مانع دخالت مذهب در امور کشوری به خصوص مسائل اقتصادی میگردد.

راه تحقیق و ابتکار جوانان و محققان را باز میکند بدون آنکه مذهب آنرا حلال یا حرام، موافق یا مخالف دین بداند. پنجاه در صد نیروی خلاقه هر اجتماع بانوان میباشند که مذهب حقوق آنان را نصف مرد میداند و خانه نشینشان میکند.

سندیکاهای آزاد برای دفاع از حقوق کارکنان بدون دخالت مذهب ثمر بخش و در جهان آزاد مورد احترام و از واجبات جامعه بشمار میآید.

انتخابات آزاد موجب رفتن مردم کار آمد به مجلس میشود که بدون دخالت مذهب و فقط به مصلحت کشور تصمیم بگیرند.

حزب سوسیال دمکرات ایران در ۳۵ سال گذشته همواره پیرو چنین سیاستی بوده و مکرر گوشزد نموده است که آخوند ها خود موجب بیکاری میباشند. فقط تعداد آخوند در برابر ۸/۳ میلیون جوان بیکار چندین برابر گشته است.

در حال حاضر سندیکاهای آزاد وجود ندارد و بدون اجازه آخوند ها نمی تواند کاری مثبت برای اعضای خود بنماید.

آخوند ها در کلیه امور کشور و یکایک مردم دخالت دارند. هیچ کاری بدون موافقت آنها انجام نمیگیرد. تا جای که نحوه ادرار را نیز معین کرده اند.

یگانه راه چاره از این بنبست ها رهای از اسارت آخوند ها میباشد. برای حل تمامی معضلاتی که رژیم جنایتکار و تروریستی اسلامی به وجود آورده است راه کاری جز براندازی در تمامیت و کلیت آن متصور نیست. رژیم جنایت پیشه و تبهکار اسلامی تشکلی از ارازل و اوباش، آخوند های جنایتکار دزدان و کلاه برداران حرفه ای اند که بدون بکار گیری قهر انقلابی توده های زیر ستم، نمیتوان آنها را از صحنه قدرت، سیاست و دولت بیرون راند. براندازی رژیم تروریستی و ستمگر و فاسد اسلامی وظیفه ملی و میهنی و انسانی تمامی احاد اجتماعی است. رژیمی که بر زنان ایران اسید پاشی میکند و برای ایجاد رعب و وحشت قتل های دسته جمعی جوانان را صورت میدهد، رژیمی که حتی حیوانات خانگی سگ ها را با اسید و دیگر وسایل به هلاکت میرساند و رژیمی که محیط زیست و حیات وحش ایران را به نابودی کشیده است، این جنایتکاران حرفه ای باید، بخاطر نجات ایران نابود گردند. مرگ بر رژیم ددمنش و خونخوار اسلامی. حزب سوسیال دمکرات ایران ۲۰۱۵.۰۴.۲۹